

◀ سوم) قدر متیقن

در مورد قدر متیقن به دو صورت می توان استدلال را مطرح کرد:

الف) تقریر مرحوم داماد

مرحوم داماد ابتدا می نویسد:



در علاج نقایص این

«لا یهمنا البحث فی مفهوم التقليد و انه هل هو العمل او الاخذ، لعدم وقوع هذا اللفظ فی شیء من

ادلة الباب، و کل ما ورد من الادلة انما یفید حجية قول المجتهد للعامی.

نعم قد ورد فی معقد کلماتهم هذا اللفظ فی مسألة البقاء علی تقليد المجتهد بعد موته فیقع الشک

حينئذ فی تحققه بمجرد الاخذ او عدم التحقق إلیّ بالعمل، و لكن القدر المتیقن الثانی، لانه عرفه

بعضهم بالعمل بقول الغير كما عرفت عن النهایة و المعالم و شرح المختصر، و عرفه آخر بقبول

قول الغير كما عرفت عن الفخر و جامع المقاصد، و ثالث بالاخذ بقول الغير. و کلماتهم هذا بین

صریح فی كونه العمل و بین ما لا یأبى عن الحمل علیه، لإمكان ان یراد من القبول و الاخذ هو فی

مقام العمل»^۱

ایشان در ادامه نتیجه می گیرد:

«لا یبعد ان یقال: ان المتیقن عدم تحقق التقليد إلیّ بالعمل خصوصاً بملاحظة التدبر فی کلمات القوم

و تعابیرهم و استدلالهم، و حينئذ فلو وقع هذا اللفظ فی معقد کلامهم فی مورد کان الصواب حمله

علی العمل لا مجرد الاخذ.»^۲

ما می گوئیم:

اینکه برخی از بزرگان مثل مرحوم آخوند و مرحوم اصفهانی به صراحت تقلید را عمل نمی دانند، باعث می شود که

توانیم عبارت ایشان (اخذ) را حمل بر عمل کنیم و لذا سخن مرحوم داماد تمام نیست.

ب) آنچه را ادله مشروعیت تقلید، ثابت می کند عبارت است از اینکه «فتوای مجتهد در حق عامی حجت است» (و

حجت هم عبارت است از معذریّت و منجزیت) لذا این ادله بیش از این را ثابت نمی کند که اگر مقلد در مقام عمل

مطابق نظر مجتهد عمل کند، در صورت خطا معذور است و اگر در مقام عمل، مطابق نظر مجتهد عمل نکند، در صورت

اصابه، حکم واقعی در حق او منجز است. پس تقلید یعنی عمل مطابق با نظر مجتهد.

درباره این دلیل سخن خواهیم گفت.

۱. المحاضرات، محقق داماد، ج ۳، ص ۳۸۹

۲. المحاضرات، محقق داماد، ج ۳، ص ۳۹۰



◀ چهارم) دلیل عقل^۱

اصلی ترین دلیل حجّیت تقلید، حکم عقل [یا بنای عقلا] است که رجوع به کارشناس را در مقام عمل ثابت می کند، به عبارت دیگر عقل [یا عقلا] آنچه را لازم می داند رجوع عملی به کارشناس است و نه «التزام قلبی و اعتقادی به نظر کارشناس» و نه «فراگیری نظرات کارشناس».

مرحوم اصفهانی در این باره می نویسد:

«و أمّا ما يقتضيه حكم العقل على ما سيأتي فهو لزوم الامتثال استناداً إلى الحجة أو إلى من له

الحجة عقلاً، و أين ذلك من الأخذ للعمل بالمعاني المتقدمة!».

و أمّا ما تقتضيه سيرة العقلاء فهو العمل بقول العارف بشيء حفظاً لنظام أمورهم، فالانقياد قلباً أو

الأخذ بالفتوى بوجودها العلمي أو الکتبی - وإن كان من المقدمات - أجنبي عن مقاصد العقلاء.»^۲

ما می گوئیم:

درباره این دلیل نیز سخن خواهیم گفت.

◀ پنجم) آیه نفر:

از زمره ادله تقلید، آیه شریفه نفر دانسته شده است:

«وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا

قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»^۳

ترجمه:

«شایسته نیست مؤمنان همگی (بسوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه

ای کوچ نمی کند (و طایفه ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند

و به هنگام بازگشت بسوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار)

بترسند، و خودداری کنند!»

ما می گوئیم:

۱. گفته شده است که این آیه بیش از «وجوب عمل بر طبق نظر انذار دهنده» را ثابت نمی کند چرا که آنچه دلیل

انذار است، لزوم تحذّر و بر حذر بودن مردم در مقام عمل است و نه «التزام داشتن به یک نظر بدون اینکه

عملی واقع شود»^۴ و نه «فراگیری»

۱. موسوعة الفقه الاسلامی، ج ۳۱، ص ۱۴

۲. بحوث فی الاصول، ج ۳، ص ۱۵

۳. توبه: ۱۲۲

۴. موسوعة الفقه الاسلامی، ج ۳۱، ص ۱۴



۲. البته باید توجه داشت که این استدلال در صورتی قابل طرح است که آیه نفر را از زمره ادله تقلید به حساب آوریم. ضمن اینکه درباره این دلیل در آینده سخن خواهیم گفت.

کلام شیخ انصاری

مرحوم شیخ انصاری درباره تعریف تقلید می‌نویسد:

«و یشهد للقول الأول ان الظاهر عدم الخلاف فی معنی التقلید فی الاصطلاح نعم کلامهم بین صریح فی کونه العمل و بین ما لا ینافی الحمل علیه بل ربما عبر الشخص الواحد تارة بالعمل، و أخرى بغيره و لذا لم ینبه أحد علی وقوع الخلاف بینهم فی ذلک بل عرفت نسبة بعض تفسیره بالعمل إلی علماء الأصول. و یؤیده استدلالهم علی حرمة التقلید بما دل علی المنع عن العمل بغير العلم.»^۱

توضیح:

۱. علمای اصولی در تعریف تقلید اختلافی ندارند
۲. و برخی بالصراحه عمل تعریف کرده‌اند و برخی از عبارات دیگر استفاده کرده‌اند که می‌توان آن عبارات را هم حمل بر این کرد که تقلید عمل است
۳. و حتی برخی گاه تقلید را عمل دانسته‌اند و گاهی با تعبیر دیگر از آن یاد کرده‌اند
۴. [و چون اختلافی نیست]، کسی نگفته است که بین علما اختلاف است
۵. بلکه برخی گفته‌اند که همه اصولی‌ها تقلید را عمل دانسته‌اند.
۶. و مؤید «عمل بودن تقلید» آن است که «قائلین به حرمت تقلید» به ادله‌ای تمسک کرده‌اند که «عمل بدون علم» را حرام دانسته‌اند [پس معلوم می‌شود که تقلید عمل است]
۷. [ما می‌گوییم: ظاهراً اشاره مرحوم شیخ به آیات شریفه‌ای باشد که تقلید کافرین از پدران و نیاکانشان را رد می‌کرده است (در حالیکه کافرین، به اعمال پدرانشان عمل کرده‌اند)

۱. مجموعه رسائل فقهیه و اصولیه، ص ۴۶